



The University of Tehran Press

Defining the Nature of the Fundamental Principles of International Space Law in Light of the ILC Draft Articles on Jus Cogens

Ebrahim Beigzadeh¹ | Sima Moradinasab²

1. Prof., Department of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Email: ebeigzadeh@hotmail.com
2. Corresponding Author; Assistant Prof., Department of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: s_moradinasab@sbu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	International space law, comprising of primary and secondary norms, is an emerging branches of international law system. By examining this legal system, it can be inferred that some principles and rules of international space law enjoy the highest rank in the substantive hierarchy of international law norms. The main reason for this is that these principles and rules, by their very nature, protect the fundamental values of international community. Thus, the main question to be answered is as follows: has the concept of jus cogens entered international space law and, if so, which principles and rules of this legal system have acquired this feature? This paper hypothesizes that the international space law system consists of peremptory norms which are non-derogable. Using the methodology of the ILC in its 2022 report on jus cogens, the said hypothesis will be confirmed. In other words, some space law rules are regarded as non-derogable norms of international law. This is grounded in widespread international practice, opinio juris of states and legal scholarship. It appears, however, that international space law is not a dynamic system in terms of the implementation of legal consequences arising from these obligations.
Pages: 153-176	
Received: 2025/01/12	
Accepted: 2025/05/05	
Published online: 2026/03/21	
Keywords: <i>Jus Cogens General International Law International Space Law Erga Omnes Obligations International Law Commission.</i>	
How To Cite	Beigzadeh, Ebrahim; Moradinasab, Sima (2026). Defining the Nature of the Fundamental Principles of International Space Law in Light of the ILC Draft Articles on Jus Cogens. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 56 (1), 153-176. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.388683.3671
DOI	10.22059/jplsqt.2025.388683.3671
Publisher	The University of Tehran Press.





تبیین ماهیت اصول بنیادین حقوق بین الملل فضا در پرتو طرح کمیسیون

حقوق بین الملل در مورد قاعده آمره

ابراهیم بیگزاده^۱ | سیما مرادی نسب^۲

۱. استاد، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: ebeigzadeh@hotmail.com
۲. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: s_moradinasab@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۷۶-۱۵۳ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱ کلیدواژه‌ها: تعهدات عام‌الشمول، حقوق بین الملل عام، حقوق بین الملل فضا، قواعد آمره، کمیسیون حقوق بین الملل.	حقوق بین الملل فضا یکی از شاخه‌های نوظهور نظام حقوق بین الملل است که مجموعه‌ای از قواعد اولیه و ثانویه را در برمی‌گیرد. تدقیق در این نظام حقوقی نشان می‌دهد که برخی از اصول و قواعد موجود در نظام حقوق بین الملل فضا از حیث سلسله‌مراتب ماهوی در جایگاه بالاتری نسبت به سایر قواعد قرار می‌گیرند. دلیل اصلی این امر آن است که این دسته از اصول و قواعد، بنا به ماهیت، حافظ ارزش‌های بنیادین اجتماع بین‌المللی‌اند. از همین رو، سؤال اصلی آنکه، آیا می‌توان ورود مفهوم قاعده آمره در نظام حقوق بین الملل فضا را مشاهده کرد؟ اگر چنین است کدام گروه از اصول و قواعد بنیادین این نظام حقوقی از چنین ویژگی‌ای برخوردارند؟ فرضیه اصلی آن است که در نظام حقوق بین الملل فضا، هنجارهای آمرهای وجود دارند که تخطی از آنها امکان‌پذیر نیست. استفاده از روش‌شناسی کمیسیون حقوق بین الملل در گزارش سال ۲۰۲۲ در مورد قاعده آمره به اثبات فرضیه گفته‌شده منجر می‌شود. به دیگر سخن، قواعدی از حقوق فضا در زمره قواعد تخلف‌ناپذیر حقوق بین الملل به‌شمار می‌آیند و این امر بر رویه بین‌المللی گسترده، باور حقوقی دولت‌ها و دکترین حقوقی مبتنی است. مع‌هذا به‌نظر می‌رسد که نظام حقوق بین الملل فضا از حیث اجرای آثار حقوقی ناشی از این تعهدات به پویایی لازم نرسیده است.
استناد	بیگزاده، ابراهیم؛ مرادی‌نسب، سیما (۱۴۰۵). تبیین ماهیت اصول بنیادین حقوق بین الملل فضا در پرتو طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد قاعده آمره. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۶ (۱)، ۱۷۶-۱۵۳. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.388683.3671
DOI	10.22059/jplsq.2025.388683.3671
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

نظام حقوق بین‌الملل فاقد ساختار متمرکز است. در وهله نخست به نظر می‌رسد که فرض وجود قواعد آمره در نظام حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بین‌الملل فضا منتفی خواهد بود.^۱ مع‌هذا چنانچه روبر کلب بیان می‌کند، نمی‌توان امکان وجود قواعد آمره را در نظام حقوق بین‌الملل نادیده انگاشت. به عقیده وی، قواعد عرفی حقوق بین‌الملل می‌توانند به تبلور قواعدی با ماهیت آمره منتهی شوند (Kolb, 2015: 16-17). برای نخستین بار، مفهوم قاعده آمره حقوق بین‌الملل در کنوانسیون سال ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات (VCLT, 1969) (زین پس «کنوانسیون سال ۱۹۶۹ وین») مطرح شد. به موجب ماده ۵۳ کنوانسیون سال ۱۹۶۹ وین، یک هنجار آمره حقوق بین‌الملل عام به «هنجاری اطلاق می‌شود که از سوی اجتماع بین‌المللی^۲ دولت‌ها در کل به‌عنوان قاعده‌ای پذیرفته شده که تخطی از آن ممکن نیست و تنها می‌تواند با یک هنجار حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی، تغییر کند»^۳. عدم رغبت به تعیین محتوای قواعد تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل، به‌روشنی در رویه دیوان بین‌المللی هم دادگستری دیده می‌شود. اگرچه این دیوان در سال ۱۹۷۰، در رأی خود در قضیه «بارسلونا تراکشن»، از تعهدات یک دولت در قبال اجتماع بین‌المللی در کل یا همان تعهدات عام‌الشمول^۴ یاد می‌کند (ICJ Rep, 1970: Para. 33)، اما تا صدور رأی خود در قضیه «مسائل مربوط به تعهد به محاکمه یا استرداد» (اختلاف میان بلژیک و سنگال)، از اعلام یک قاعده به‌عنوان مصداق قاعده آمره حقوق بین‌الملل، اجتناب کرده است. علاوه بر دیوان بین‌المللی دادگستری، کمیسیون حقوق بین‌الملل، رکن دیگری است که می‌تواند به شناسایی قواعد آمره حقوق بین‌الملل کمک کند. این کمیسیون موضوع شناسایی قواعد آمره حقوق بین‌الملل را از سال ۲۰۱۵ به‌صورت مستقل در دستور کار خود قرار داد. بدین منظور دیره تلادی^۵، حقوقدان آفریقای جنوبی، به‌عنوان گزارشگر ویژه تعیین شد. کمیسیون حقوق بین‌الملل با تفسیر مواد ۵۳ و ۶۴^۶ کنوانسیون سال ۱۹۶۹ وین، معیارهایی را برای شناسایی و احراز قواعد آمره حقوق بین‌الملل

۱. این انتقاد از سوی برخی از حقوقدانان برجسته همانند شوارزنبگر مطرح شده است. بدین صورت که قواعد آمره فقط در نظام‌هایی وجود دارد که ساختاری متمرکز دارند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک:

Kolb, Robert (2015). *Peremptory International Law- Jus Cogens: A General Inverntory*. Oxford: Hart Publishing. 16.

2. International Community- La Communauté Internationale

3. Vienna Convention on the Law of Treaties (VCLT), signed on 23 May 1969, Article 53.

4. Erga Omnes

5. Dire Tladi

ایشان در حال حاضر قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری است.

۶ ماده ۶۴ کنوانسیون سال ۱۹۶۹ وین اشعار می‌دارد که «چنانچه یک قاعده حقوق بین‌الملل عام به‌وجود آید، هر معاهده موجودی که در تعارض با آن قرار گیرد، باطل و منسوخ می‌شود».

VCLT, supra n. 3, Article 64.

معرفی می‌کند. این کمیسیون مبتکرانه فهرستی غیرحصری از قواعد امره حقوق بین‌الملل ارائه کرده است. با نگاهی به فهرست مذکور (89: 2022, A/77/10)، می‌توان چنین برداشت کرد که یا کمیسیون حقوق بین‌الملل قصدی دائر بر شناسایی قواعد امره حقوق بین‌الملل فضا نداشته یا آنکه در نظام نوپای حقوق بین‌الملل فضا، فرض وجود چنین قواعدی امکان‌پذیر نخواهد بود. این در حالی است که اتخاذ هرگونه رویکردی نسبت به اصول و قواعد بنیادین حاکم بر فضای ماورای جو و فعالیت‌های فضایی مستلزم تدقیق در ماهیت آنها خواهد بود. در این نوشتار، تلاش بر آن است که در پرتو گزارش سال ۲۰۲۲ کمیسیون حقوق بین‌الملل در موضوع قاعده امره، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا در نظام حقوق بین‌الملل فضا، اصول و قواعد بنیادینی وجود دارند که بنا به ماهیت، ارزش‌های بنیادین اجتماع بین‌المللی را منعکس کرده و از آنها محافظت کنند (11: 2022, A/77/10)؟ بدین منظور فرضیه اصلی آن است که برخی از قواعد حقوق بین‌الملل فضا از ویژگی امره و برخی از ویژگی عام‌الشمول برخوردارند. به‌منظور پاسخ به پرسش‌های پیش‌رو، نوشتار حاضر از روش‌شناسی کمیسیون حقوق بین‌الملل پیروی می‌کند. مطابق با جمع‌بندی شماره ۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش نهایی سال ۲۰۲۲، دو معیار برای شناسایی قواعد امره حقوق بین‌الملل عام وجود دارد؛ نخست آنکه قاعده مورد بحث، «یک قاعده حقوق بین‌الملل عام باشد»؛ دوم، آنکه قاعده «از سوی اجتماع بین‌المللی در کل به‌عنوان قاعده‌ای پذیرفته و به رسمیت شناخته شده باشد که تخطی از آن ممکن نیست و تنها می‌تواند با یک قاعده حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی تغییر کند» (VCLT, 1969: Article 53). بر همین مبنا، ابتدا به تبیین ماهیت آن دسته از اصول بنیادینی که ویژگی امره دارند، می‌پردازد. سپس ماهیت سایر اصول بنیادین موجود در نظام حقوق بین‌الملل فضا که ویژگی عام‌الشمول دارند، تحلیل خواهند شد. در انتها این نوشتار درصدد است که با هدف تقویت پویایی نظام حقوق بین‌الملل فضا در حفظ ارزش‌های بنیادین اجتماع بین‌المللی، رهنمودهایی را ارائه کند. استفاده از این رهنمودها می‌تواند به اجرایی شدن آثار حقوقی ناشی از نقض تعهدات امره و تعهدات عام‌الشمول کمک کند.

۲. امکان‌سنجی ورود مفهوم قاعده امره در حقوق بین‌الملل فضا از خلال اصول حاکم بر اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو

پیوند مستقیمی میان وجود نظم عمومی در یک نظام حقوقی و قواعد امره در آن نظام وجود دارد. چنانچه قاضی موزلر^۱ بیان کرده «در هر جامعه حقوقی، یک وحدت و انسجام حداقلی که برای حفظ جامعه ضروری است، می‌بایست وجود داشته باشد [...] اجتماع بین‌المللی نمی‌تواند از این اصول و قواعد حداقلی

1. Mosler

صرف نظر کند، زیرا بدون آنها متوقف خواهد شد» (Weatherall, 2015: 21). با این وصف، باید به این مسئله پاسخ داد که آیا در رژیم خاص حقوق فضا، ارزش‌ها و منافع وجود دارند که به تعبیر جان دوگارد^۲، بتوانند به اهداف و سیاست‌های اجتماع بین‌المللی، شکل و صورت حقوقی بخشند (ICJ Rep, 2006: para. 10)؟

مطابق با جمع‌بندی شماره ۴ گزارش سال ۲۰۲۲، معیار نخست آن است که یک هنجار، هنجار حقوق بین‌الملل عام باشد (A/77/10, 2022: 11). قاعده عرفی عام، مصداق آشکار قاعده حقوق بین‌الملل عام در نظر گرفته می‌شود (Tunkin, 1993: 535). دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود در قضیه فلات قاره دریای شمال، اعلام می‌دارد که «...قواعد و تعهدات حقوق عرفی یا عام، بنا به ماهیت، برای تمام اعضای اجتماع بین‌المللی از یک نیروی برابر برخوردارند...» (ICJ Rep, 1969: Para 63). با این وصف، به‌منظور شناسایی قواعد امره نظام حقوق بین‌الملل فضا، به‌صورت استقرایی (از جزء به کل) باید به رویه دولت‌ها توجه کرد. تاکنون بسیاری از دولت‌ها، ماهیت عرفی برخی از مقررات مندرج

۱. حقوق بین‌الملل فضا مجموعه‌ای از قواعد اولیه و ثانویه خاص را در خود جای داده است. عدم تصاحب در فضای ماورای جو (ماده ۲ معاهده فضای ماورای جو)، استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو (ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو)، توجه مقتضی به منافع متناظر سایر کشورها (ماده ۹ معاهده فضای ماورای جو)، تلقی فضانوردان به‌عنوان «فرستادگان بشریت» (ماده ۵ معاهده فضای ماورای جو) و نظارت مستمر بر فعالیت‌های فضایی بخش خصوصی و اعطای مجوز به آن‌ها (ماده ۶ معاهده فضای ماورای جو) در زمره قواعد اولیه خاص نظام حقوق بین‌الملل فضا هستند. از طرف دیگر، انتساب مستقیم اعمال بخش خصوصی به دولت (ماده ۶ معاهده فضای ماورای جو)، بی‌توجهی به عنصر نقض تعهد بین‌الملل با ایجاد نظام مسئولیت برای جبران خسارت (Liability) (ماده ۷ معاهده فضای ماورای جو)، ایجاد سازکار جدید برای جبران خسارت با پیش‌بینی کمیسیون دعاوی (Claims Commission) (ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۷۲ مسئولیت) و تعیین گستره مسئولیت در فرض متعدد بودن دولت‌های مسئول (بند دوم ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۷۲ مسئولیت) مصداق قواعد ثانویه خاص نظام حقوق بین‌الملل فضا به‌شمار می‌آیند. علی‌رغم ماهیت خاص این قواعد، باید توجه داشت که آنها قصد ندارند به‌طور کامل بر قواعد عام حقوق بین‌الملل تقدم و از آنها عدول کنند. مضاف بر این، قواعد خاص حقوق بین‌الملل فضا نمی‌توانند بدون رجوع به قواعد عام حقوق بین‌الملل به حیات خود ادامه دهند. بنابراین، خلأهای حقوقی موجود در نظام حقوق بین‌الملل فضا باید با قواعد عام حقوق بین‌الملل رفع شود. به همین علت است که باید حقوق بین‌الملل فضا را مصداق یک رژیم خاص و نه خودبسنده (self-contained regime) دانست. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک:

(1) Johnson, Christopher D. (2020). The Law of Outer Space: A Self-Contained Regime?. In *Fifty Years of Space Law*. edited by Philippe Achilleas and Stephan Hobe. Leiden: Brill Nijhoff Publishing. 124-158; (2) Mahmoudi, S. Hadi, & Moradinasab, Sima (2023). Responsibility of States in Outer Space as "Lex Specialis Derogat Legi Generali". *Zeitschrift für Luft- und Weltraumrecht (German Journal of Air and Space Law)*. 72(4). 590-603.

2. John Dugard

ایشان گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح «حمایت سیاسی» بود.

در معاهده فضای ماورای جو و اعلامیه سال ۱۹۶۳ را تأیید و تصدیق کرده‌اند. بحث‌های انجام‌شده در کارگروه مربوط به «وضعیت و اجرای معاهدات پنج‌گانه ملل متحد»^۲ به‌روشنی مؤید چنین امری است. خاستگاه این رویکرد، به‌ویژه، به آیین کنسانسوس^۳ بازمی‌گردد که به‌عنوان آیین اصلی تصمیم‌گیری در نظام حقوق بین‌الملل فضا پذیرفته شده است. در سطح دکترین حقوقی هم بسیاری از حقوقدانان، از جمله حقوقدان آمریکایی، توبنفلد^۴ ماهیت عرفی برخی اصول مندرج در معاهده فضای ماورای جو را تأیید کرده است (Goedhuis, 1969: 34).

مطابق با روش‌شناسی کمیسیون حقوق بین‌الملل، در صورت پاسخ مثبت به پرسش نخست، مرحله دوم واکاوی آغاز می‌شود. یعنی آنکه آیا قاعده عام مورد بحث از سوی اجتماع بین‌المللی در کل به‌عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است؟ بر اساس جمع‌بندی شماره ۷ گزارش سال ۲۰۲۲، منظور از اجتماع بین‌المللی در کل، اکثریت گسترده و بازنمای دولت‌هاست.^۵ علی‌رغم افزایش کمی در تعداد کنشگران فضایی، همچنان به لحاظ کیفی، تعداد اندکی از دولت‌ها، به‌عنوان کنشگران اصلی یا دولت‌ها ذی‌نفع فضایی به‌شمار می‌آیند. بنابراین، همان دولت‌هایی که منافع آنها به‌صورت خاص در فضای ماورای جو تحت تأثیر قرار می‌گیرند، می‌توانند بازنمای اجتماع بین‌المللی در کل باشند. دیگر آن که، کمیسیون حقوق بین‌الملل، مجموعه گسترده‌ای از شواهد و ادله را ارائه می‌کند که می‌توانند منعکس‌کننده پذیرش یک قاعده به‌عنوان قاعده تخلف‌ناپذیر باشد. آن‌ها شامل مکاتبات دیپلماتیک، بیانیه‌های سیاسی دولت‌ها، قوانین داخلی، تصمیم‌های محاکم داخلی و بین‌المللی، قطعنامه‌های تصویب‌شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی و غیره است (A/77/10, 2022: 13, 40). علاوه بر این، ممکن است ابزارهای دیگری هم به‌عنوان ابزارهای فرعی وجود داشته باشند. برای مثال، از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، آموزه‌های برجسته‌ترین حقوقدانان بین‌المللی در این طبقه قرار

۱. منظور از اعلامیه سال ۱۹۶۳، اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های کشورهای در کاوش و استفاده از فضای ماورای جو است.

A/RES/1962 (XVIII), 'Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space', adopted on 13 December 1963.

2. (1) United Nations Offices for Outer Space Affairs, Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, <https://www.unoosa.org/oosa/en/ourwork/copuos/lsc/wg-tre/working-group-on-tre.html>, Last Visited on August 19, 2024; and (2) A/AC.105/1067, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Report of the Legal Subcommittee on its fifty-third session, held in Vienna from 24 March to 4 April 2014, p. 37.

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد آیین کنسانسوس به‌عنوان آیین تصمیم‌گیری، ر.ک: بیگزاده، ۲۰۰۶: ۱۳۷۱؛ ۲۷۴-۲۴۱.

4. Taubenfeld

5. A/77/10, supra n. 13, p. 12.

مذاکرات کنوانسیون سال ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات مؤید چنین امری است. ر.ک: Villiger, 2009: 671-672.

می‌گیرند (12-13: A/77/10, 2022). با توجه به آنچه بیان شد، برخی از اصول بنیادین نظام حقوق بین‌الملل فضا، یعنی آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو و عدم تصاحب در فضای ماورای جو از منظر آمره بودن یا نبودن مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱.۲. آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو

قاضی مانفرد لاکس در نظر مخالف خود در قضیه فلات قاره دریای شمال، اعلام می‌دارد «نخستین اشیایی که بشر به فضای ماورای جو ارسال کرد، از فضای هوایی کشورها عبور نموده، بالای [سرزمین] آنها در فضای ماورای جو به چرخش درآمده است. لیکن، کشورهای پرتاب‌گر در جست‌وجوی مجوز برنیامدند و سایر کشورها هم نسبت به این امر معترض نبودند. این امر نشان می‌دهد که چگونه، آزادی عبور در فضای ماورای جو ظرف مدت زمان بسیار کوتاهی به‌عنوان یک قاعده حقوقی تثبیت و به رسمیت شناخته شده است» (ICJ Rep, 1969, Dissenting Opinion of Judge Manfred Lach:) (230). کشورهای بسیاری معتقدند که آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو، یک هنجار حقوق بین‌الملل عام است (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). آرژانتین در همان سال‌های آغازین عصر فضایی، بیان کرد که بند ۲ ماده ۱ معاهده فضای ماورای جو (OST, 1967: Article I) به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی، برای آن دسته از کشورهایی هم که به معاهده ملحق نشده‌اند، الزام‌آور خواهد بود (ILA, 1980: 205). همچنین پاسخ ارائه‌شده از سوی کشورهای مختلف از جمله آلمان، اتریش، اندونزی، فیلیپین و جمهوری چک در کارگروه مربوط به وضعیت و اجرای معاهدات پنج‌گانه ملل متحد ماهیت عرفی این اصل را تأیید می‌کند.^۱ حال، مسئله‌ای که مطرح می‌شود آنکه آیا این اصل از سوی اجتماع بین‌المللی دولت‌ها به‌عنوان یک قاعده تخطی‌ناپذیر پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است؟

۱. ر.ک:

- (1) A/AC.105/C.2/2018/CRP.16, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Seventh Session, 'Responses to the Set of Questions Provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, Vienna, 9-20 April, 2018, p.5; (2) A/AC.105/C.2/2021/CRP.23, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Sixtieth Session, Set of questions provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, taking into account the UNISPACE+50 process, 2021, pp. 20-21; (3) A/AC.105/C.2/2018/CRP.12, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Seventh Session, Responses to the set of questions provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, 2018, p. 5; and (4) A/AC.105/C.2/2024/CRP.8, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Sixty-Third Session, Responses to the set of questions provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, 2024, pp. 5, 9.

کمیته فرعی حقوقی کوپوس^۱ در سال ۱۹۵۹ اعلام کرد که رویه دولت‌ها نشان‌دهنده آن است که آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو، بر مبنای برابری و مطابق با قواعد موجود یا آینده حقوق بین‌الملل، به‌عنوان یک قاعده پذیرفته شده است (ILA, 1959: 277). افزون بر این، بررسی بیانیه‌های دولت‌ها جلب توجه می‌کند؛ ایالات متحده آمریکا اندکی پس از تصویب اعلامیه سال ۱۹۶۳ بیان کرد که اصول مندرج در این اعلامیه «اصول حقوق بین‌الملل است که از سوی اعضای ملل متحد پذیرفته شده است» (Jasentuliyana & Lee, 1979: 37). به همین ترتیب، اتحاد جماهیر شوروی سابق اعلام کرد، در صورتی که اعلامیه سال ۱۹۶۳ به اتفاق آرا تصویب شود، مفاد آن از سوی این کشور رعایت خواهد شد. بریتانیا هم اعلام کرد که اصول مندرج در اعلامیه سال ۱۹۶۳، [شامل آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو]، بخشی از رویه دولت‌ها را تشکیل می‌دهد (ILA, 1964: 666-667). بیانیه‌های صادرشده از سوی سایر کشورها از جمله آلمان و اتریش هم تقویت‌کننده همین رویکرد است.^۲

به‌جز بیانیه‌ها، بند ۲ قطعنامه سال ۱۹۶۸ انجمن حقوق بین‌الملل در مورد رژیم حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو و قطعنامه سال ۱۹۷۸، مقرر می‌دارند که اصل آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو یکی از اصول حقوق بین‌الملل عام است (ILA, 1980: 197; ILA, 1968: 82). در دکتترین حقوقی، برخی حقوقدانان بر این عقیده‌اند که کاوش و استفاده آزاد از فضای ماورای جو صرفاً یک منفعت طرفینی^۳ نیست، بلکه منفعتی عام‌الشمول^۴ است، زیرا تعهدی است که در یک قاعده امره حقوق بین‌الملل عام ریشه دارد (Cepelka, & Gilmour, 1970: 39; Cheng, 1997: 576). گودهویس^۵ بیان می‌کند که «تفسیری که به دولت‌ها اجازه دهد تا با اعراض از معاهده [فضای ماورای جو] مدعی حق بر حاکمیت در فضای ماورای جو شوند، به دلیل مغایرت با آزادی در فضای ماورای جو به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عام، نباید مورد پذیرش قرار گیرد» (Cepelka & Gilmour, 1970: 46). او همچنین بیان می‌دارد که «پذیرش عام‌الشمول اصل آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو نمونه‌ای است که نشان می‌دهد چگونه هنگامی که پیش‌شرط کنسانسوس یا باور حقوقی نمود پیدا می‌کند، یک قاعده

1. Committee on the Peaceful Uses of Outer Space (COPUOS)

۲. ر.ک:

- (1) A/AC.105/C.2/2017/CRP.6, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Sixth Session, Responses to the set of Questions provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, 23 March 2017, p. 5; (2) A/AC.105/C.2/2015/CRP.11, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Fourth Session, 'Responses to the Set of Questions Provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space', 2015, p. 3.

3. inter partes

4. Erga omnes

5. Goedhuis

حقوق عرفی ظرف مدت زمان کوتاهی یا حتی به‌طور آنی، پا به عرصه وجود می‌گذارد» (ILA, 1980: 164). پروفیسور بوکشتیگل^۱ هم بر آن است که آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی (عام) است. بنابراین برای کشورها غیرعضو معاهده فضای ماورای جو هم الزام‌آور خواهد بود (ILA, 1978: 184). با توجه به توضیحات ذکرشده، آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو از سوی اجتماع بین‌المللی دولت‌ها در کل به‌عنوان قاعده‌ای پذیرفته‌شده که تخطی از آن ممکن نیست و تنها می‌تواند با یک قاعده حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی، تغییر کند.

۲.۲. عدم تصاحب در فضای ماورای جو

این امر امروزه در رویه دولت‌ها پذیرفته شده است که عدم تصاحب نه‌فقط یک قاعده حقوق معاهداتی، بلکه یک هنجار حقوق بین‌الملل عام است که توسط اجتماع بین‌المللی در کل به‌عنوان یک قاعده تخلف‌ناپذیر پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است (Jakhu & Freeland, 2009: 249). معاهده فضای ماورای جو در حقیقت عرف از پیش موجود در مورد ممنوعیت تصاحب در فضای ماورای جو را تکرار می‌کند (Gal, 1989: 329). عملکرد بسیاری از دولت‌ها از جمله آلمان، اتریش و شیلی ماهیت عرفی اصل عدم تصاحب را تأیید می‌کند (A/AC.105/C.2/2017/CRP.6, 2017: 5; A/AC.105/C.2/2015/CRP.11, 2015:3). حال باید دید تا چه حد عدم تصاحب در فضای ماورای

جو به‌عنوان یک قاعده تخلف‌ناپذیر حقوق بین‌الملل عام پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است؟

بیانیه‌های سیاسی دولت‌ها به این مسئله پاسخ مثبت می‌دهند؛ ایالات متحده آمریکا بر آن است که اصول مندرج در اعلامیه سال ۱۹۶۳ همان اصول حقوق بین‌الملل است که از سوی اعضای ملل متحد پذیرفته شده است. همچنین اتحاد جماهیر شوروی سابق بر این نظر است که پیش‌نویس معاهده فضای ماورای جو که از سوی این کشور ارائه شد، حافظ منافع تمام کشورها و اجتماع بین‌المللی در کل است. کشور ایتالیا بر این دیدگاه است که اصل عدم تصاحب یکی از اصول بنیادین فضای ماورای جو به‌شمار می‌رود. چنین رویکردی در میان سایر کشورها هم قابل مشاهده است. برای مثال، ژاپن اعلام کرده که تلقی فضای ماورای جو به‌عنوان مال مشترک، به‌طور عمومی میان اعضای ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. کشورهای استرالیا و هند هم به اهمیت بسیار اصل عدم تصاحب برای بشریت اشاره می‌کنند (Mc Garry & Freeland, 2022: 178-179).

در کنار بیانیه‌های سیاسی، قوانین داخلی دولت‌ها نشان می‌دهد که عدم تصاحب به‌عنوان یک هنجار

1. Bockstiegel

حقوق بین‌الملل عام پذیرفته شده است. یک نمونه شایان توجه در این زمینه پیمان‌های آرتمیس^۱ است که با ابتکار ایالات متحده آمریکا، بر مبنای دوجانبه میان این کشور و سایر اعضای آرتمیس منعقد شده است. پیمان‌های آرتمیس مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های غیرالزام‌آور را تشکیل می‌دهد. تمام دولت‌هایی که قصد دارند با ناسا همکاری کنند، باید ابتدا مفاد آرتمیس را بپذیرند (Deplano, 2021: 800). آنچه در این میان جالب می‌نماید آنکه مطابق با بخش دهم پیمان‌های آرتمیس، عدم تصاحب از سوی تعداد زیادی از کشورها^۲ پذیرفته و به رسمیت شناخته است. با این حال، ممکن است ادعا شود که برخی کشورها، اصل عدم تصاحب را به چالش کشیده‌اند؛ از جمله آنها، صدور اعلامیه بوگوتا^۳ از سوی کشورهای استوایی در خصوص اعمال حاکمیت بر مدار زمین آهنگ^۴ است. چنین ادعاهایی در هر حال چیزی جز نقض اصل عدم تصاحب در فضای ماورای جو به‌شمار نمی‌آیند.^۵ همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده آمریکا در و علیه نیکاراگوئه (زین پس «قضیه نیکاراگوئه») اعلام می‌کند، اقدام‌های مغایر با یک قاعده به معنای نقض آن قاعده و نه شکل‌گیری یک قاعده جدید است (ICJ Rep, 1986: 186). آنچه در این میان جالب می‌نماید آنکه، در سال ۱۹۷۷، کلمبیا به صراحت بیان کرد که «عدم تصاحب در فضای ماورای جو» نمی‌تواند مصداق ماده ۵۳ کنوانسیون سال ۱۹۶۹ وین باشد (Mc Garry & Freeland, 2022: 283). در پاسخ به این ادعا، توجه به دکتین حقوقی حائز اهمیت است. برخی حقوقدانان با استناد به ماهیت عرفی اصل عدم تصاحب، اعلامیه بوگوتا را مغایر با حقوق بین‌الملل عرفی فضای ماورای جو می‌دانند. پروفیسور باکوتیک^۶، حقوقدان کشور یوگسلاوی در جریان پنجاه‌هشتمین کنفرانس انجمن حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۸ اعلام کرد که تصویب اعلامیه بوگوتا، حقوق بین‌الملل عرفی موجود را

1. Artemis Accords

پیمان‌های آرتمیس به‌عنوان بخشی از برنامه آرتمیس ناسا، در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۰ امضا شد. هدف اصلی پیمان‌های آرتمیس آن است که کاوش و استفاده پایدار از فضای ماورای جو را از طریق همکاری بین‌المللی تضمین کند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، برای مثال، می‌توانید ر.ک:

Deplano, Rossana (2021). The Artemis Accords: Evolution or Revolution in International Space Law?. *International and Comparative Law Quarterly*, 70(3). 799-819.

۲. تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴، ۵۲ کشور پیمان‌های آرتمیس را امضا کرده‌اند. لیختن‌اشتاین آخرین کشوری است که به این پیمان پیوسته است. برای اطلاعات بیشتر، د.ک:

US Department of State, United States Welcomes Liechtenstein's Signing of the Artemis Accords, <https://www.state.gov/united-states-welcomes-liechtensteins-signing-of-the-artemis-accords-2/>, Last Visited on December 31, 2024.

3. Bogota Declaration

4. Geostationary Orbit (GEO)

۵. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، برای مثال، ر.ک: Paliouras, 2017: 37-54.

6. Bakotic

تحت تأثیر قرار داده است (ILA, 1978: 184). پروفیسور مورین ویلیامز^۱، حقوقدان آرژانتینی در جریان پنجاهوششمین کنفرانس انجمن حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۴ اعلام کرد که «به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، فضای ماورای جو، سرزمین فراتجاری^۲ است و این امر در معاهده فضای ماورای جو تأیید شده است» (ILA, 1974-1975: 506). او همچنین بر این عقیده است که «اصل عدم تصاحب به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، اعتبار دارد» (ILA, 1968: 168; ILA, 1980: 205). مضاف بر این، وی بیان می‌دارد که اگرچه کلمبیا به معاهده فضای ماورای جو ملحق نشده، اما اصول مندرج در این معاهده، به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، برای این کشور الزام‌آور است (ILA, 1978: 171). به همین ترتیب، هرسزگ^۳، حقوقدان مجارستانی در انجمن حقوق بین‌الملل، بر این دیدگاه است که اعتبار قاعده عرفی [عدم تصاحب] که به‌صورت عام‌الشمول پذیرفته شده، با تصویب اعلامیه بوگوتا از میان نخواهد رفت (ILA, 1978: 170).

مطابق با سایر شواهد هم عدم تصاحب به‌عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل عام از سوی اجتماع بین‌المللی در کل به رسمیت شناخته شده است؛ اول آنکه، اصل عدم تصاحب به‌عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل عام در قطعنامه سال ۱۹۶۸ انجمن حقوق بین‌الملل با عنوان «رژیم حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو» پذیرفته شده است (ILA, 1968: 82). دیگر آنکه، رجوع به دکنترین حقوقی نتیجه به‌دست‌آمده را تقویت می‌کند؛ به عقیده گودهویس، عدم پذیرش ادعاهای حاکمیتی در فضای ماورای جو، منافع اجتماع بین‌المللی را تأمین خواهد کرد (Goedhuis, 1981: 214). رم جاکو^۴ و استیون فریلند^۵ هم با این دیدگاه که عدم تصاحب در فضای ماورای جو یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل است، همسو هستند (Jakhu, Freeland & Chen, 2018: 606, 647-648). با این حال، باید متذکر شد که میان عدم تصاحب در فضای ماورای جو و عدم تصاحب در منابع موجود در اجرام سماوی تمایز وجود دارد؛ به این معنا که اگرچه ماهیت عرفی اصل عدم تصاحب در فضای ماورای جو پذیرفته شده است، لیکن در مورد ممنوعیت تصاحب نسبت به منابع موجود در اجرام سماوی و استفاده از آن، رویه یکسان و متحدالشکلی وجود ندارد (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). به همین علت است که انجمن حقوق بین‌الملل بیان کرده که «ماده ۲ [معاهده فضای ماورای جو] تنها هنگامی که در معنای مضیق کلمه به فضای ماورای جو اشاره می‌کند، حقوق بین‌الملل عرفی را منعکس می‌نماید» (A/AC.105/C.2/2015/CRP.25, 2015: 6). در پایان این بحث باید گفت که اگرچه کمیسیون حقوق بین‌الملل نسبت به شناسایی و احراز قاعده

1. Maureen Williams
2. Res extra commercium
3. Herczeg
4. Ram Jakhu
5. Steven Freeland

آمره حقوق بین الملل فضا، رویکردی منفعلانه اتخاذ کرده، اما باید پذیرفت که مفهوم قاعده آمره به نظام حقوق بین الملل فضا بسط یافته است. این امر به معنای آن است که برخی از قواعد حقوق بین الملل فضا می توانند به عنوان قاعده آمره شناخته شوند. با این حال، همچنان سؤال ها و چالش هایی به خصوص در مورد قابلیت اجرای آثار خاص ناشی از نقض قاعده آمره از جمله نظام مسئولیت مشدد وجود دارد (Mahmoudi & Moradinasab, 2024: 23). به نظر می رسد در این خصوص تعبیر براونلی درست می نماید؛ او می گوید که قاعده آمره همچون یک ماشین گران قیمتی است که در گاراژ است و فقط گاهی در گاراژ باز و نگاهی به آن انداخته شده و دوباره بسته می شود (Simma, 2009: 265-273).

۳. امکان سنجی ورود مفهوم قواعد عام الشمول در حقوق بین الملل فضا

کمیسیون حقوق بین الملل در جمع بندی شماره ۱۷ گزارش سال ۲۰۲۲ بیان می دارد که «اگرچه تمام قواعد آمره حقوق بین الملل به تعهدات عام الشمول منتهی می شود، این امر به صورت گسترده ای پذیرفته شده که تمام تعهدات عام الشمول از قواعد آمره حقوق بین الملل عام نشئت نمی گیرند» (A/77/10, 89: 2022). این امر به معنای آن است که قواعد آمره و تعهدات عام الشمول نوعی رابطه عموم و خصوص مطلق دارند (بیگزاده، ۱۴۰۱: ۲۸۹). بنابراین، مسئله اصلی این است که به جز قواعد آمره بررسی شده، کدام یک از قواعد بنیادین این نظام حقوقی دارای ویژگی عام الشمول اند؟ کمیسیون حقوق بین الملل در گزارش سال ۲۰۲۲ در مورد قاعده آمره، مثالی از وجود این دسته از تعهدات در نظام حقوق بین الملل فضا ارائه نمی کند. نکته جالب توجه آنکه، در گزارش های اولیه در موضوع گسستگی حقوق بین الملل، این کمیسیون اعلام می دارد که مشترکات جهانی^۱ به تعهدات عام الشمول منتهی می شوند، بی آنکه تعهدات مذکور، بنا به ضرورت، ریشه در قواعد آمره داشته باشند. آنگاه این رکن فرعی مجمع عمومی ملل متحد، از ماده ۱ معاهده فضای ماورای جو به عنوان مصداق این گروه از تعهدات یاد می کند (A/61/10, 2006: 422). به طور کلی، معاهدات پنج گانه فضایی به ویژه معاهده فضای ماورای جو مشتمل بر تعهدات عام الشمول اند (Johnson, 2024: 5). خاستگاه این دسته از تعهدات به برخی از اصول بنیادین نظام حقوق بین الملل فضا، یعنی استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو، نجات فضانوردان، مسئولیت برای صدمات ناشی از اشیای فضایی و ثبت اشیای فضایی بازمی گردد. این قواعد به ترتیب بررسی می شوند.

۳.۱. استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو

ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو (OST, 1967: Article IV) در حقیقت به غیرنظامی سازی جزئی آن قلمرو می پردازد. مطابق با نص بند ۱ ماده ۴، آنچه ممنوع است، نه استقرار کلیه انواع تسلیحات، بلکه تنها

استقرار تسلیحات هسته‌ای یا تسلیحات کشتار جمعی در مدار خواهد بود. این امر به معنای آن است که استفاده از موشک‌های بالستیک یا راکت‌ها به موجب معاهده فضای ماورای جو ممنوع نیستند (محمودی، ۱۳۹۳: ۷۸). بنابراین، جنگ ستارگان^۱ یا «سپر دفاع راهبردی» که ریگان در برابر گورباچف مطرح کرد و انهدام تسلیحات اتمی با تسلیحات لیزری در فضای ماورای جو مشکلی ندارد؛ جنگی که مذاکرات میان ریگان و گورباچف را در اجلاس ریکیاویک به شکست کشاند. چون آمریکا حاضر به دست کشیدن از آن نشد. نظر به همین ملاحظات و خلأ حقوقی ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو، امروزه موضوع استفاده از تسلیحات ضدماهواره‌ای در چارچوب بحث رفتار مسئولانه در فضای ماورای جو^۲ مورد توجه قرار می‌گیرد.

با وجود این، برخی حقوقدانان، ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو را مصداق قاعده آمره می‌دانند.^۳ این گروه بر این عقیده‌اند که ماهیت آمره ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو از ماهیت آمره قاعده ممنوعیت توسل به زور - بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد - ناشی می‌شود (Lee, 2002: 142). حال آنکه تعمیم ماهیت آمره این مقرر به فضای ماورای جو نمی‌تواند به آسانی پذیرفته شود. مطابق با بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، دولت‌های عضو می‌بایست از تهدید یا توسل به زور علیه تمامت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی اجتناب کنند. با توجه به وجود اصل عدم تصاحب در فضای ماورای جو، سؤال قابل طرح آنکه چگونه مفهوم تمامت ارضی می‌تواند در این نظام حقوقی معنا پیدا کند (Von der Dunk, 2019: 209-210)؟ از همین رو، نمی‌توان با ارجاع به ماهیت آمره ممنوعیت توسل به زور در حقوق بین‌الملل از ویژگی آمره ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو صحبت کرد. مع‌هذا، آنچه همچنان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد آنکه آیا اصل عدم استقرار تسلیحات هسته‌ای یا سایر تسلیحات کشتار جمعی در مدار، یک هنجار حقوق بین‌الملل با ویژگی عام‌الشمول است؟

در پاسخ باید گفت که بسیاری از کشورها ماهیت عرفی این اصل را پذیرفته‌اند. ایالات متحده آمریکا و شوروی سابق از دیرباز بیان کرده‌اند که این اصل در زمره یکی از اصول پذیرفته‌شده از سوی ملل متحد است. راتریش هم بر این دیدگاه است که اصل عدم استقرار تسلیحات هسته‌ای یا تسلیحات

1. Star Wars

2. Responsible Behavior in Outer Space

از جمله اقدامات انجام‌شده در این خصوص می‌توان به تصویب قطعنامه شماره ۷۶/۲۳۱ مجمع عمومی در مورد «کاهش تهدیدهای فضایی از طریق ایجاد هنجارها، قواعد و اصول رفتار مسئولانه» اشاره کرد که به تشکیل کارگروهی با همین نام منجر شد. ر.ک:

(1) A/RES/76/231, Reducing Space Threats through Norms, Rules and Principles of Responsible Behaviours, Resolution adopted by the General Assembly on 24 December 2021, on the Report of the First Committee; (2) United Nations Office for Disarmament Affairs, Open-Ended Working Group on Reducing Space Threats, <https://meetings.unoda.org/open-ended-working-group-on-reducing-space-threats-2022>, Last Visited on November 27, 2024.

۳. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

Rathore, Ekta, & Gupta, Biswanath (2020). Emergence of Jus Cogens Principles in Outer Space Law. *Astropolitics: The International Journal of Space Politics & Policy*. 18(1). 13-15.

کشنار جمعی در مدار زمین دارای ماهیت عرفی است (A/AC.105/C.2/2017/CRP.6, 2017: 5; 24-25: 2022/A/AC.105/C.2/2022/CRP.18). چنین دیدگاهی در میان سایر کشورها از جمله کشورهای در حال ظهور فضایی هم قابل مشاهده است. نماینده کشور سریلانکا در کمیته اول مجمع عمومی ملل متحد، تصویب سالانه قطعنامه مربوط به پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا^۱ را یک عامل اصلی در تلقی اصل استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو به عنوان قاعده حقوق بین الملل عرفی می دانست. مضاف بر این، در سطح دکترین حقوقی برخی از جمله اکتا راتور^۲ و بیزونس گوپتا^۳ ماهیت عرفی ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو را تأیید می کند (Rathore & Gupta, 2020: 17). البته این امر بدان معنا نیست که استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو ماهیت آمره پیدا کرده است. در دکترین حقوقی، برخی حقوقدانان از جمله فریلند و مک گری بر این عقیده اند که ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو ویژگی عام الشمول دارد (Mc Garry, Freeland, 2022: 290). علت اصلی این امر به ماهیت بشردوستانه استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو بازمی گردد. همان طور که دبیر کل ملل متحد، آنتونیو گوترش بیان کرده، «این اصل، احترام به اصول انسانی را تضمین می کند» (Office for Disarmament Affairs, 2018: 37). مسلم است که استفاده تسلیحاتی از فضای ماورای جو برخی حق های بنیادین بشری از جمله حق بر حیات را در معرض خطر قرار می دهد. علاوه بر این، استفاده غیر صلح آمیز از فضای ماورای جو در تقابل با پایداری بلندمدت فعالیت های فضایی (Freeland & Ireland-Piper, 2022: 25) و تعهد مندرج در بند ۱ ماده ۱ معاهده فضای ماورای جو قرار می گیرد. با توجه به این ملاحظات باید استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو را یک تعهد عام الشمول دانست؛ زیرا تمامی دولت ها در ایفای حقوق ناشی از این اصل دارای یک منفعت حقوقی اند.

۲.۳. نجات فضانوردان

با آنکه برخی از نویسندگان، تعهد دولت ها برای جست و جو و نجات فضانوردان را یک تعهد ناشی از قاعده آمره حقوق بین الملل تلقی می کنند (Sachdeva, 2017: 24)، واقعیت آن است که نه عملکرد دولت ها و نه باور حقوقی آنها از چنین رویکردی حمایت نمی کند. بخشی از این موضوع بدین سبب است که هنوز رویه دولت ها در خصوص برخورد با فضانوردان در شرایط اضطرار چندان توسعه نیافته است (Mc Garry & Freeland, 2022: 292). با وجود این، تعهد دولت ها به موجب ماده ۵ معاهده فضای ماورای جو، تعهدی در مقابل اجتماع بین المللی در کل است. دلیل این امر آنکه مبنای تعهد دولت ها برای جست و جو و نجات فضانوردان، «ملاحظات اولیه بشردوستانه» است.

1. Proposed Prevention of Arms Race in Space (PAROS)
2. Ekta Rathore
3. Biswanath Gupta

دیوان بین‌المللی دادگستری، اولین بار در قضیه «کانال کورفو» (اختلاف میان انگلستان و آلبانی) به مفهوم «ملاحظات اولیه بشردوستانه» اشاره می‌کند. در آنجا دیوان، البته در خصوص تعهد دولت‌ها در قلمرو دریانوردی، بیان می‌دارد که ملاحظات اولیه بشردوستانه یکی از اصول کلی و مسلم حقوق بین‌الملل است (ICJ Rep, 1949: 22). همین رکن در نظر مشورتی «آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین»، اعلام می‌دارد که تعهدات برآمده از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمره تعهدات عام‌الشمول قرار دارند، زیرا این قواعد بر مبنای ملاحظات اولیه بشردوستانه بنا شده‌اند (ICJ Rep, 2004: 67; Talmon, 2015: 424). با این استدلال، به نظر می‌رسد بتوان تعهد دولت‌ها به جست‌وجو و نجات فضانوردان را هم مصداقی از تعهدات عام‌الشمول یا به دیگر سخن، تعهد یک دولت در مقابل اجتماع بین‌المللی در کل در نظر گرفت (Jakhu, 2006: 50).

۳.۳. مسئولیت^۱ برای صدمات ناشی از اشیای فضایی

در پاسخ به این پرسش که آیا مسئولیت برای صدمات ناشی از اشیای فضایی به یک هنجار حقوق بین‌الملل عام تبدیل شده است یا نه، باید گفت که در چارچوب کارگروه مربوط به «وضعیت و اجرای معاهدات پنج‌گانه ملل متحد»، برخی کشورها از جمله آلمان و اتریش بر این نظر بودند که ماده ۷ معاهده فضای ماورای جو به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده است (A/AC.105/C.2/2018/CRP.12, 2018: 5; A/AC.105/C.2/2017/CRP.6, 2017: 5). علاوه بر این، همان‌طور که پیشتر بیان شد، کشورهای که در قلمرو فضایی ماورای جو به‌طور خاص تأثیر می‌پذیرند، یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق، همواره بر این امر تأکید کرده‌اند که اعلامیه سال ۱۹۶۳ برای تمام دولت‌های عضو ملل متحد الزام‌آور است. در سطح دکترین حقوقی هم، برخی حقوقدانان از جمله فرانسیس لیال، ماهیت عرفی مسئولیت دولت‌های فضایی برای صدمات ناشی از اشیای فضایی را تأیید کرده‌اند (Lyal & Larsen, 2018: 64). با این حال، باید توجه داشت که این دیدگاه نمی‌تواند به مفاد کنوانسیون ۱۹۷۲ مسئولیت تسری یابد. به دیگر سخن، کنوانسیون ۱۹۷۲ مسئولیت در حال حاضر تنها از ماهیت معاهداتی برخوردار است و به طریق اولی نمی‌توان از تبدیل مقررات مندرج در این سند به یک قاعده امره حقوق بین‌الملل سخن گفت. بخشی از این موضوع به این خاطر است که بسیاری از مقررات این کنوانسیون کلی و مبهم است. از جمله آنها باید به مفهوم «دولت پرتاب‌کننده»^۲ اشاره کرد. دقیقاً از همین روست که مجمع عمومی در سال ۲۰۰۴، قطعنامه ۵۹/۱۱۵ را تصویب کرده (A/RES/59/115, 2004)، به دولت‌ها توصیه‌هایی می‌کند (Masson-Zwaan, &

1. Liability
2. Launching State

(Hofmann, 2019; 42-43). مضاف بر این، تاکنون مسئله اجرای تعهد دولت‌ها برای جبران خسارت نسبت به صدمات ناشی از اشیای فضایی به صورت اندک‌شمار مطرح شده است. اولین بار بخش‌هایی از اسکایلب^۱ در سال ۱۹۷۹ در قسمت‌های بیابانی از استرالیا فرود آمد که هیچ کشوری بحث جبران خسارت را تعقیب نکرد. حادثه جدی‌تر، حادثه کاسموس^۲ ۱۹۵۴ است. در سال ۱۹۷۸، ماهواره‌ی اتحاد جماهیر شوروی سابق، که یک ماهواره شناسایی راداری برای رهگیری کشتی‌ها بود، در بخش‌هایی از سرزمین کانادا از هم پاشید. در نتیجه این حادثه، پسماندهای زیادی ایجاد و خساراتی به کانادا وارد آمد. اگرچه شوروی سابق خسارتی معادل با سه میلیون دلار به کانادا پرداخت کرد (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۶)، اما خسارت پرداخت‌شده نه از باب اجرای تعهد مندرج در ماده ۷ معاهده فضای ماورای جو و کنوانسیون ۱۹۷۲ مسئولیت، بلکه بنا به ادعای این کشور از سر لطف^۳ بود. نمونه جدیدتر، تصادم میان ماهواره کاسموس ۲۲۵۱ روسی با ماهواره اریدیوم^۴ ۴۳۳ آمریکایی در سال ۲۰۰۹ است که در نتیجه آن حدود ۲۰۰۰ قطعه پسماند ایجاد شد. لیکن بحث اجرای مسئولیت برای جبران خسارت مطرح نشد (Mahmoudi & Moradinasab, 2022: 87).

با وجود این، به نظر می‌رسد بنا به ماهیت بشردوستانه کنوانسیون سال ۱۹۷۲ مسئولیت، باید تعهد دولت‌ها برای جبران خسارت ناشی از صدمات فضایی را یک تعهد عام‌الشمول دانست. مقدمه این سند و همین‌طور نظام دوگانه مسئولیت در این معاهده، مثبت چنین ادعایی است؛ نکته اول آنکه در مقدمه کنوانسیون مسئولیت، بر ماهیت قربانی‌محور این سند معاهداتی تأکید شده است. به این صورت که باید مطابق با مفاد کنوانسیون، خسارت واردشده به قربانیان به‌طور کامل و مطابق با انصاف، جبران شود (A/RES/2777, 1971). دیگر آنکه، کنوانسیون ۱۹۷۲ مسئولیت را می‌توان در نوع خود یک سند معاهداتی دارای ماهیت حقوق بشری دانست. قرینه نخست ناظر بر تعریفی است که در ماده ۱ این کنوانسیون از خسارت ارائه می‌شود. به موجب بند «الف» ماده ۱، خسارت عبارت است از «فقدان حیات، صده شخص یا سایر اختلال‌ها به سلامت یا تلف [...]» (Convection on International Liability for Damage Caused by Space, 1972, Article I). دیگر آنکه، این کنوانسیون، میان دو نوع نظام مسئولیت تفکیک قائل می‌شود؛ نخست، نظام مسئولیت مطلق^۵ است که ناظر بر مسئولیت دولت برای جبران خساراتی است که به سطح زمین و هواپیمای در حال پرواز وارد می‌شود؛ دوم، نظام مسئولیت

-
1. Skylab
 2. Kosmos 954
 3. Ex gratia
 4. Iridium 33
 5. Absolute Liability

مبتنی بر تقصیر است که طبق آن^۱ مسئولیت دولت برای جبران خسارتی مطرح می‌شود که در اثر تصادم یک شیء فضایی با اشخاص یا اموال مستقر در فضای ماورای جو به وجود می‌آید (Convection on International Liability for Damage Caused by Space, 1972, Article II, III). با توجه به این دو نوع نظام مسئولیت می‌توان دریافت که جبران خسارت نسبت به قربانیان در فرض تصادم یک شیء فضایی با سطح زمین و هواپیمای در حال پرواز که می‌تواند به فقدان حیات و ورود صدمه شخصی به افراد منتهی شود، برای تدوین کنندگان حائز اهمیت بسیاری بوده است؛ زیرا در این فرض، نیازی به اثبات تقصیر وجود نخواهد داشت. بنا به ملاحظات مذکور، می‌توان تعهد دولت‌ها برای جبران خسارت ناشی از صدمات اشیای فضایی را به دلیل ماهیت حقوق بشری آن یک تعهد در مقابل اجتماع بین‌المللی در کل دانست. حکم^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن مثبت چنین ادعایی است. دیوان در این قضیه بیان می‌دارد که تعهدات ناشی از اصول و قواعد مرتبط با حقوق بنیادین بشر در زمره تعهدات عام‌الشمول اند (ICJ Rep, 1970: Para. 34).

۴.۳. ثبت اشیای فضایی

طبق گزارش ارائه شده از سوی دفتر ملل متحد برای امور فضای ماورای جو، در طول سال‌های اخیر، بر میزان اشیای فضایی ثبت شده افزود شده است. به صورتی که از مجموع اشیای فضایی پرتاب شده به فضای ماورای جو، ۸۷ درصد از آنها در ملل متحد ثبت می‌شوند ([United Nations Register of Objects Launched into Outer Space \(unoosa.org\)](https://www.unoosa.org/objects/objects.html), 2024). ضمن آنکه تا سال ۲۰۲۳، ۷۵ کشور کنوانسیون ۱۹۷۵ ثبت (Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, 1974) را تصویب کرده‌اند (Friedl, 2024: 35). مضاف بر این، گروهی از کشورها بر این باورند که ثبت اشیای فضایی یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است. برخی کشورها در توجیه چنین ادعایی به این مسئله اشاره می‌کنند که اعلامیه سال ۱۹۶۳ در حقیقت عرف آنی متبلور شده در طول نخستین دهه از فعالیت‌های فضایی را تدوین کرده است (A/AC.105/C.2/2022/CRP.18, 2022). همچنین برخی دیگر بر این دیدگاه هستند که ماده ۸ معاهده فضای ماورای جو (OST, 1967: Article VIII) در مورد ثبت اشیای فضایی دارای ماهیت عرفی است؛ زیرا هر دو عنصر شکل‌گیری عرف وجود دارد. به بیان این گروه، آیین استفاده شده در تصویب اعلامیه ۱۹۶۳، یعنی کنسانسوس، مؤید وجود باور حقوقی دولت‌ها است. آنها همچنین بیان می‌دارند که تصویب معاهده فضای ماورای جو از

1. Fault-based Liability

2. Dictum

سوی بیشتر دولت‌ها، از جمله دولت‌های فضایی، دلیلی بر وجود رویه دولتی است. ضمن آنکه، رویه دولتی مخالفی هم تاکنون مشاهده نشده است (A/AC.105/C.2/2015/CRP.11, 2015: 3; A/AC.105/C.2/2017/CRP.6, 2017: 5).

اولین نکته‌ای که باید در نظر داشت آنکه بیانیه‌های این گروه از کشورها صرفاً ناظر بر ماهیت عرفی ماده ۸ معاهده فضای ماورای جو و نه کنوانسیون ۱۹۷۵ ثبت است. حال آنکه، تعهد دولت‌ها برای ثبت شیء فضایی، از جمله انواع ثبت و استلزامات ثبت، در کنوانسیون ۱۹۷۵ ثبت مورد توجه واقع شده است. همچنین باید توجه داشت که بنا به ملاحظات امنیتی، رویه دولت‌ها در مورد ثبت اشیای فضایی یکسان و متحدالشکل نیست. دلیل اصلی این امر آن است که به‌طور کلی کشورها رغبتی به افشای اطلاعات مربوط به ماهواره‌های نظامی جاسوسی خود ندارند. از همین روست که مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ۶۲/۱۰۱ و تشویق دولت‌ها برای تصویب قوانین ملی فضایی (A/RES/62/101, 2008)، تلاش کرده است تا خلأهای معاهداتی کنوانسیون ۱۹۷۵ ثبت را تا حدی از میان ببرد.

نظر به ملاحظات اخیر، نمی‌توان به‌آسانی ثبت اشیای فضایی را یک قاعده آمره دانست. با وجود این، ذکر این نکته حائز اهمیت است که میان تعهد دولت‌ها به ثبت اشیای فضایی، مسئولیت دولت‌ها برای جبران خسارت ناشی از صدمات اشیای فضایی و جست‌وجو و نجات فضاوردان، پیوند وجود دارد. مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۵ ثبت اشیای فضایی به‌صراحت به این مسئله اشاره می‌کند. دلیل این امر هم آن است که در صورت نامشخص بودن هویت اشیای فضایی و کشور پرتاب‌کننده آنها (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۲۰)، اجرای تعهد مندرج در مواد ۵ و ۷ معاهده فضای ماورای جو در مورد نجات فضاوردان و جبران خسارت وارده توسط اشیای فضایی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. از آنجا که مبنای آن تعهدات ملاحظات اولیه بشردوستانه است، می‌توان تعهد دولت‌ها به ثبت اشیای فضایی را هم در زمره تعهدات عام‌الشمول قرار داد.

۴. نتیجه

قاعده آمره یکی از بنیان‌های هر نظام حقوقی است. امروزه ویژگی آمره بودن قواعد به شاخه‌های سنتی حقوق بین‌الملل محدود نمی‌شود، بلکه به بخش‌های نوظهور این نظام حقوقی هم تعمیم می‌یابد. این امر به‌ویژه در مورد حقوق بین‌الملل فضا صدق می‌کند. با پیروی از روش‌شناسی کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش سال ۲۰۲۲ در موضوع قاعده آمره، می‌توان دریافت که برخی از اصول بنیادین فضای ماورای جو، از جمله آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو و عدم تصاحب در فضای ماورای جو ویژگی آمره و برخی دیگر از جمله اصل عدم استقرار تسلیحات هسته‌ای یا سایر تسلیحات کشتار جمعی در مدار، نجات فضاوردان، مسئولیت برای صدمات ناشی از اشیای فضایی و ثبت اشیای فضایی ویژگی عام‌الشمول

پیدا کرده‌اند. مع‌هذا، در نظام حقوق بین‌الملل فضا اجرای ماده ۴۸ پیش‌نویس سال ۲۰۰۱ در مورد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی مشاهده نمی‌شود. این ماده ناظر بر «استناد به مسئولیت توسط دولتی به‌جز دولت زیان‌دیده» است. به موجب بند ۲ ماده ۴۸، چنانچه تعهد نقض شده در قبال اجتماع بین‌المللی در کل باشد، هر دولتی غیر از دولت زیان‌دیده حق دارد به مسئولیت دولت دیگر استناد کند. بنابراین، به لحاظ حقوقی دولت‌های غیرزیان‌دیده، به‌عنوان اعضای جامعه بین‌المللی، محق‌اند که به‌دلیل نقض تعهدات عام‌الشمول حاکم بر فضای ماورای جو به مسئولیت دولت دیگر استناد کنند. حال آنکه چنین امری در این نظام حقوقی به وقوع نپیوسته است. بخشی از این موضوع بدان علت است که به‌طور کلی دولت‌های فضایی رغبتی به اقامه دعوا در محاکم بین‌المللی ندارند. غلبه روح مصالحه و همکاری بین‌المللی در این نظام حقوقی از یک طرف و، بن‌بست معاهداتی موجود در خصوص پیش‌بینی قید اجباری حل اختلاف‌ها در معاهدات پنج‌گانه فضایی از طرف دیگر، مثبت چنین ادعایی است. با این وصف، ارائه رهنمودهایی برای رفع این خلأ ضروری می‌نماید.

نخستین پیشنهاد آنکه مطابق بند ۲ ماده ۲۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری یک شعبه تخصصی حقوق فضا تأسیس شود. بدیهی است که شعبه تخصصی حقوق فضا می‌تواند بستری مناسب را برای اقامه دعوا دولت‌های غیرزیان‌دیده علیه دولت ناقض تعهدات عام‌الشمول فضایی فراهم آورد. مع‌هذا، چنین امری در هر حال مستلزم رضایت دولت‌ها خواهد بود. از همین رو، پیشنهاد دوم این است که به‌منظور افزایش آگاهی و یکنواخت‌سازی رویه کشورهای فضایی، اقدام‌هایی از سوی دفتر ملل متحد برای امور فضای ماورای جو («اوسا») انجام شود. تاکنون اوسا در مسائل مختلف و چالش‌برانگیز، از طریق برگزاری رخدادهای و کنفرانس‌ها نقش شایان توجهی ایفا کرده است. بدون تردید، این امر فضای مناسبی را برای تبادل نظر میان متخصصان و نمایندگان دولت‌ها فراهم می‌آورد و می‌تواند بر تصمیم‌گیری در جلسات اصلی تأثیرگذار باشد. برای مثال، می‌توان به پروژه «حقوق فضا برای بازیگران فضایی جدید» و کنفرانس مربوط به فعالیت‌های مرتبط با بهره‌برداری از ماه اشاره کرد. به همین ترتیب، اوسا می‌تواند دولت‌ها را گرد هم آورد تا در مورد ابعاد حقوقی نقض تعهدات عام‌الشمول فضایی و اجرای ماده ۴۸ پیش‌نویس سال ۲۰۰۱ با یکدیگر بحث کنند. به‌دلیل عدم تمایل دولت‌های فضایی به تصویب اسناد حقوقی الزام‌آور، خروجی این مباحثات می‌تواند در قالب یک سند حقوقی غیرالزام‌آور همانند قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد تنظیم شود. به‌دیگر سخن، از طریق حقوق نرم اقدام شود؛ حقوقی که امروزه با اقبال زیادی مواجه است. پیشنهاد دیگر آن که موضوع اجرایی شدن ماده ۴۸ در دستور کار کوپوس قرار گیرد. این رکن می‌تواند پیشنهاد گنجانیدن موضوعی تحت عنوان اجرایی شدن ماده ۴۸ پیش‌نویس سال ۲۰۰۱ در نظام حقوق بین‌الملل فضا را به مجمع عمومی توصیه کند. چنانچه مجمع عمومی با این امر موافقت نماید، این موضوع در برنامه کاری کوپوس قرار می‌گیرد. همچنین نکته حائز اهمیت آنکه حسب

توافق دولت‌ها این امر می‌تواند در برنامه منظم، چندساله یا موردی کمیته فرعی حقوقی کوپوس قرار گیرد. آخرین پیشنهاد آنکه رویکرد منفعل و سکوت دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های در حال توسعه فضایی نسبت به نقض تعهدات عام‌الشمول اصلاح شود؛ زیرا بی‌اعتنایی کشورها نسبت به نقض تعهدات عام‌الشمول شناخته‌شده در نظام حقوق بین‌الملل فضا در شرایط خاصی می‌تواند به رضایت آنها تعبیر شود. در این زمینه، به‌نظر می‌رسد سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری‌های فضایی آسیا و اقیانوسیه («آپسکو») بتوانند در تشویق دولت‌ها به تغییر رویکرد منفعلانه تأثیرگذار باشند. آنچه مسلم است آنکه اتخاذ هر یک از این رهنمودها می‌تواند به پویایی نظام حقوق بین‌الملل فضا در حفظ ارزش‌های بنیادین و منافع اجتماع بین‌المللی در کل کمک بسزایی کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۴). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. چ نهم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲. بیگزاده، ابراهیم (۱۴۰۱). *حقوق بین‌الملل*. ج ۱: مبانی، منابع و تابعان. چ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۳. محمودی، سیدهادی (۱۳۹۳). *حقوق بین‌الملل فضایی*. تهران: سمت.

ب) مقالات

۴. سوئی، اریک (۱۳۷۱). تأثیر و مفهوم کنسانسوس در تدوین حقوق بین‌الملل ترجمه ابراهیم بیگزاده. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱ (۱۰)، ۲۷۴-۲۴۳.

۲. انگلیسی

A) Books, Chapter Books and Thesis

1. Cheng, B. (1997). *Studies in Space Law*, Oxford: Clarendon Press.
2. Friedl, M. (2024). *The COPUOS Briefing Book*. Edited by Christopher D. Johnson. Washington DC: Secure World Foundation.
3. Goedhuis, D. (1969). The International Law Association and the Development of a Legal Regime of Outer Space. In *New Frontiers in Space Law*. edited by Edward McWhinney and Martin A. Bradiey. Leiden: A. W. Sijthoff.
4. Jakhu, R., & Freeland, S. (2009). Article II. In *Cologne Commentary on Space Law*. edited by Stephan Hobe, Bernhard Schmidt-Tedd et.al. Köln: Wolters Kluwer Deutschland. 221-270.
5. Jasentuliyana, N., & Lee, Roy. S. K. (1979). *Manual on Space Law*. Vol. III (Travaux Preparatoires and Related Documents). Dobbs Ferry: Oceana Publications.

6. Johnson, C. D. (2020). The Law of Outer Space: A Self-Contained Regime?. In *Fifty Years of Space Law*. edited by Philippe Achilleas and Stephan Hobe. Leiden: Brill Nijhoff Publishing. 127-160.
7. Kolb, R. (2015). *Peremptory International Law- Jus Cogens: A General Inventory*. Oxford: Hart Publishing.
8. Lyall, F., & Larsen, P. B. (2018). *Space Law: A Treatise*. Second Edition. London: Routledge.
9. Masson-Zwaan, T., & Hofmann, M. (2019). *Introduction to Space Law*. Fourth Edition. Leiden: Wolters Kluwer.
10. Sachdeva, G.S (2017). Select Tenets of Space Law as Jus Cogen. In *Recent Developments in Space Law: Opportunities & Challenges*. Singapore: Springer International Publishing. 7-26.
11. Villiger, M. E. (2009). *Commentary on the 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties*. Leiden: Martinus Nijhoff Publisher.
12. Weatherall, T. (2015). *Jus Cogens: International Law and Social Contract*. Cambridge: Cambridge University Press.

B) Articles and Papers

13. Cepelka, C., & Gilmour, J. H.C. (1970). The Application of General International Law in Outer Space. *Journal of Air Law and Commerce*, 36(1).
14. Christol, C. Q. (1994). Judge Manfred Lachs and The Principle of jus Cogens. *Journal of Space Law*, 22 (1 & 2).
15. Deplano, R. (2021). The Artemis Accords: Evolution or Revolution in International Space Law?. *International and Comparative Law Quarterly*, 70(3).
16. Freeland, S., & Ireland-Piper, D. (2022). Space Law, Human Rights and Corporate Responsibility, *The UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*. 26(1).
17. Gal, G. (1989). Reflections to the System of the Sources of Space Law. *Proceedings of the International Institute of Space Law*.
18. Goedhuis, D. (1981). Some Recent Trends in the Interpretation and the Implementation of the Rules of International Space Law. *Columbia Journal of Transnational Law*. 19(2).
19. Jakhu, R. S. (2006). Legal Issues Relating to the Global Public Interest in Outer Space. *Journal of Space Law*. Volume 32.
20. Jakhu, R. S., & Freeland, S., & Chen, K.W. (2018). The Source of International Space Law: Revisited, *Zeitschrift für Luft- und Weltraumrecht German Journal of Air and Space Law (ZLW)*, 67(4).
21. Johnson, C. D. (2024). The Deontic Logic of Space Law Applied to Lunar Scenarios. *Proceedings of the 75th International Astronautical Congress (IAC)*. 2024.
22. Lee, Ricky J. (2002). Jus Ad Bellum in Outer Space: The Interrelation between Article 103 of the Charter of the United Nations and Article IV of the Outer Space Treaty. *Proceedings on the Law of Outer Space*.
23. Mac Garry, L. J., & Freeland, S. (2022). What Place for Jus Cogens? How Manfred Lachs Foresaw New Thinking in International Space Law. *Journal of Space Law*, 46(2).
24. Mahmoudi, S. H., & Moradinasab, S. (2022). In Search of the Most Appropriate Mechanism for Resolving the Disputes Arising from Large Satellite Constellation. *Proceedings of the International Institute of Space Law*.
25. Mahmoudi, S. H., & Moradinasab, S. (2023). Responsibility of States in Outer Space as

- “Lex Specialis Derogat Legi Generali, *Zeitschrift für Luft- und Weltraumrecht (German Journal of Air and Space Law)*, 72(4).
26. Mahmoudi, S. H., & Moradinasab, S. (2024). Global Space Governance of Remote Sensing and the Needs of Developing States. *Chinese Journal of International Law*. 23(4). <https://doi.org/10.1093/chinesejil/jmae035>
27. Paliouras, Z. A. (2017). The Non-Appropriation Principle: The Grundnorm of International Space Law. *Leiden Journal of International Law*, (27).
28. Rathore, E., & Gupta, B. (2020). Emergence of Jus Cogens Principles in Outer Space Law. *Astropolitics: The International Journal of Space Politics & Policy*. 18(1).
29. Simma, B. (2009). Universality of International Law from the Perspective of a Practitioner, *European Journal of International Law*. 20(2). <https://doi.org/10.1093/ejil/chp028>
30. Talmon, S. (2015). Determining Customary International Law: The ICJ’s Methodology between Induction, Deduction and Assertion. *European Journal of International Law*. 26(2). <https://doi.org/10.1093/ejil/chv020>
31. Tunkin, G. (1993). Is General International Law Customary Law Only?. *European Journal of International Law*. 4(4). <https://doi.org/10.1093/oxfordjournals.ejil.a035843>

C) Documents

32. A/61/10, Report of the International Law Commission, Fifty-Eight Session, 2006.
33. A/77/10, International Law Commission (ILC), Yearbook of the International Law Commission, Peremptory Norms of General International Law (Jus Cogens), 2022.
34. A/AC.105/1067, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Report of the Legal Subcommittee on its fifty-third session, held in Vienna from 24 March to 4 April 2014.
35. A/AC.105/C.2/2015/CRP.11, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Fourth Session, ‘Responses to the Set of Questions Provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space’, 2015.
36. A/AC.105/C.2/2015/CRP.25, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-fourth Session, Answers from the Chair of the Space Law Committee of the International Law Association (ILA) to questions by the Chair of the Working Group of the LSC, 2015.
37. A/AC.105/C.2/2017/CRP.6, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Sixth Session, Responses to the set of Questions provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, 23 March 2017.
38. A/AC.105/C.2/2018/CRP.12, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Seventh Session, ‘Responses to the set of questions provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space’, 2018.
39. A/AC.105/C.2/2018/CRP.16, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Fifty-Seventh Session, ‘Responses to the Set of Questions Provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, Vienna, 9-20 April, 2018.
40. A/AC.105/C.2/2021/CRP.23, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Sixtieth Session, Set of questions provided by the Chair of the Working

- Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, taking into account the UNISPACE+50 process, 2021.
41. A/AC.105/C.2/2022/CRP.18, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Sixty-first Session, Item 6 of the Provisional Agenda, Status and application of the five United Nations Treaties on Outer Space, 2022.
42. A/AC.105/C.2/2024/CRP.8, Committee on the Peaceful Uses of Outer Space, Legal Subcommittee, Sixty-Third Session, Responses to the set of questions provided by the Chair of the Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, 2024.
43. A/RES/1962 (XVIII), 'Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space', adopted on 13 December 1963.
44. A/RES/2777, Convention on International Liability Caused by Space Objects, 29 November 1971.
45. A/RES/59/115, 'Application of the Concept of "Launching State"', 25 January 2005.
46. A/RES/62/101, 'Recommendations on Enhancing the Practice of States and International Intergovernmental Organizations in Registering Space Objects', 10 January 2008.
47. A/RES/76/231, Reducing Space Threats through Norms, Rules and Principles of Responsible Behaviours, Resolution adopted by the General Assembly on 24 December 2021, on the Report of the First Committee; (2) United Nations Office for Disarmament Affairs, Open-Ended Working Group on Reducing Space Threats, <https://meetings.unoda.org/open-ended-working-group-on-reducing-space-threats-2022>, Last Visited on November 27, 2024.
48. Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects, entered into force on 29 March 1972.
49. Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, signed on 12 November 1974.
50. International Law Association (ILA), Report of 51st Conference, 1964.
51. International Law Association (ILA), Report of 56th Conference, 1974-1975.
52. International Law Association (ILA), Report of 59th Conference, 1980.
53. International Law Association (ILA), Report of the 49th Conference, 1959
54. International Law Association (ILA), Report of the 58th Conference, 1978.
55. Office for Disarmament Affairs, Securing Our Common Future: An Agenda for Disarmament, 2018.
56. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and Other Celestial Bodies, 27 January 1967, entered into force 10 October 1967.
57. Vienna Convention on the Law of Treaties (VCLT), signed on 23 May 1969.

D) Cases

58. Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), ICJ, Judgment of 3 February 2006, Separate Opinion of Judge ad hoc Dugard.
59. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), ICJ, Judgment of 5 February 1970, Second Phase.

60. Corfu Channel (United Kingdom v. Albania), ICJ, Judgment of 9 April 1949.
61. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, ICJ, Advisory Opinion of 9 July 2004.
62. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), ICJ, Judgment of 20 July 2012.

E) Websites

63. United Nations Offices for Outer Space Affairs, Working Group on the Status and Application of the Five United Nations Treaties on Outer Space, <https://www.unoosa.org/oosa/en/ourwork/copuos/lsc/wg-tre/working-group-on-tre.html>, Last Visited on August 19, 2024.
64. US Department of State, United States Welcomes Liechtenstein's Signing of the Artemis Accords, <https://www.state.gov/united-states-welcomes-liechtensteins-signing-of-the-artemis-accords-2/>, Last Visited on December 5, 2024.
65. [United Nations Register of Objects Launched into Outer Space \(unoosa.org\)](https://www.unoosa.org/), Last Visited on March 5, 2024.